

سیره و سیمای آخرین آواگر قدسی
(محمد رسول خدا (ص))

جلد اول

گستره شناسی سرزمین وحی

ترجمه:

حسین تقی زاده به لاری

انتشارات آثار سبز

۱۳۹۸

سرشناسه	: تقی‌زاده سالاری، حسین، ۱۳۲۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: گستره‌شناسی سرزمین وحی / نوشته حسین تقی‌زاده سالاری.
مشخصات نشر	: تهران: آثار سبز، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۲۸ ص.؛ مصور (رنگی)، نقشه.
فروست:	: سیره و سیمای آخرین آواگر قدسی؛ ۱.
شریک:	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۶۶-۸۵-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۲۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: عربستان -- تاریخ
ه‌ضوع	: مکه (عربستان سعودی) -- تاریخ
موضوع	: مدینه (عربستان سعودی) -- تاریخ
رده‌بندی آخر	: ۱۳۹۸ گ ۷ ت / DS۲۰۴
رده‌بندی (نوب)	: ۹۵۳/۸
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۵۶۱۹۹۷۴

سیره و سیمای آخرین آواگر قدسی

گستره‌شناسی سرزمین وحی

نام نویسنده: حسین تقی‌زاده سالاری

ناشر: آثار سبز

صفحه آرای: احمد سالاری

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۶۶-۸۵-۴

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: ۱۳۹۸

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان



فهرست

۱۱.....	مقدمه
۱۷.....	سخنی با خوانندگان
۲۲.....	بخش اول - جزیره العرب
۲۳.....	مقایسه وسعت جزیره العرب با برخی از کشورها
۲۴.....	تقسیم‌بندی جغرافیایی
۲۶.....	جغرافیای انسانی جزیره العرب
۲۹.....	جغرافیای طبیعی جزیره العرب
۳۰.....	یکم: آب و هوا
۳۲.....	دوم: گوناگونی باران در سرزمین‌های عربی
۳۲.....	سوم: باده‌ها
۳۴.....	چهارم: کوه‌ها
۳۵.....	پنجم: صحراها
۳۶.....	نام‌گذاری انواع صحراها
۴۲.....	کشاورزی در جزیره العرب و محصولات آن
۴۶.....	حیوانات در مناطق عرب‌نشین «جزیره العرب»
۴۷.....	اسب عربی، هستی عرب
۵۰.....	شتر
۵۰.....	کشتی صحرا و نماد شخصیت عرب بدوی
۵۱.....	کاربرد شتر در زندگی عرب

۵۳.....	جغرافیای سیاسی جزیره العرب قبل از اسلام
۵۳.....	«دوران جاهلیت»
۵۴.....	عربستان جنوبی:
۵۵.....	عربستان شمالی:
۵۹.....	نژاد عرب قبل از اسلام در «جزیره العرب»
۶۰.....	دوران زمان - ظرف مکان
۶۰.....	نژاد نامی:
۶۱.....	بن مردم عربستان «جزیره العرب»
۶۴.....	منطقه خراسان یا جغرافیای شهرنشینی اعراب
۶۵.....	یکم: سزمین همامه
۶۶.....	دوم: فلات نجد
۶۷.....	سوم: منطقه حجاز
۶۸.....	چهارم: عروض
۶۸.....	پنجم: یمن
	بخش دوم
۷۴.....	مکه شناسی شناخت واژه مکه در قرآن و سایر فرهنگ ها
۷۶.....	واژه مکه در آیات قرآنی
۸۰.....	واژه مکه در کتب لغت و برخی کتب دیگر
۸۳.....	«الف» جغرافیای طبیعی
۸۴.....	جایگاه مکه روی نقشه
۸۴.....	نقش مثبت کوه ها و تپه ها
۸۵.....	نقش منفی و مخرب کوه ها و تپه ها
۸۵.....	۱) کوه های مکه
۸۶.....	۲) چاه های مکه
۸۸.....	۳) هوا «بردگان در آتش خورشید»
۹۱.....	۴) باران و سیل در مکه
۹۴.....	آشنایی با مناطق بطحا، مسغله، معلاه و بیت العتیق در مکه
۹۶.....	«ب» جغرافیای اقتصادی
۹۷.....	موقعیت تجاری و بازرگانی
۹۹.....	تأمین امنیت اقتصادی مکه در روزگار جاهلی توسط جد پیامبر (ص)

۱۰۰	امنیت اقتصادی
۱۰۵	شکوفایی اقتصادی مکه در پرتو جنگ
۱۰۹	رابطه تجاری و بازرگانی با سایر کشورها
۱۱۰	الف: رابطه تجاری مکه با عراق
۱۱۱	ب: رابطه‌ی تجاری مکه با شام «سوریه فعلی»
۱۱۲	ج: رابطه تجاری مکه با یمن
۱۱۲	د: ابگاه ویژه بازرگانی در مکه
۱۱۴	نکته‌داری و رواج پدیده شوم «رباخواری»
۱۲۲	مهر خانه‌ها
۱۲۳	گردش طلا و بازار رم
۱۲۴	گردش نقره در ایران
۱۲۴	موقعیت سیاسی مکه
۱۲۵	برقراری نمایندگی و ایجاد دفتر فروش کالا
۱۲۸	جغرافیای انسانی مکه در روزگار جاهلی
۱۳۱	شناسنامه قریش
۱۳۴	قریش در منظر معنی شناسان
۱۳۵	یکم: عشق به کاهش عطش
۱۳۷	دوم: گره‌گشایی از کار مردم و ایشارگری
۱۳۸	سوم: هم‌گرایی و وحدت
۱۳۹	چهارم: تشبیه قدرتی
۱۴۱	انشعابات قبیله بزرگ قریش
۱۴۲	یادآوری نکته‌ای ضروری
۱۴۳	گوناگونی گروه‌های قریشی
۱۴۴	دوم: گروه ظواهر
۱۴۴	سوم: گروه احلاف
۱۴۴	چهارم: گروه مطیعون
۱۴۵	پنجم: گروه بنی خزاعه
۱۴۷	جغرافیای سیاسی علم سیاست
۱۴۸	مکه و مدیریت سیاسی
۱۴۹	سلسله‌های حکومتی در مکه

- ۱۴۹..... سلسله حکومتی اول: عمالقه.
- ۱۵۱..... سلسله حکومتی دوم: جرهمیان.
- ۱۵۳..... سلسله حکومتی سوم: طایفه خزاعه.
- ۱۵۶..... تشکیل گرائی و سازمان دهی در جامعه عرب قبل از اسلام.
- ۱۵۸..... الف: فعالیت های فرهنگی.
- ۱۵۹..... ب: فعالیت های تجاری.
- ۱۵۹..... ج: درمان های اداری.
- ۱۶۰..... سازمان دوم: نوشتن آب به زائران.
- ۱۶۱..... سازمان سوم: راد یا مهمان داری.
- ۱۶۱..... سازمان چهارم: دارالندوه و یا مجلس شورا.
- ۱۶۶..... نظام سیاسی و قبال شاخص.
- ۱۶۷..... قبیله حاکم بر مکه.
- ۱۶۷..... سازمان های اداری و سیاسی.
- ۱۶۷..... شرایط احراز مدیریت و مصادرات در روزگار.
- بخش سوم:**
- ۱۷۰..... ضرورت شناخت مدینه النبی (ص).
- ۱۷۴..... مدینه شناسی.
- ۱۷۴..... جغرافیای طبیعی.
- ۱۷۵..... تعریف جغرافیای طبیعی.
- ۱۷۸..... چاه ها.
- ۱۷۹..... دره ها.
- ۱۸۰..... حزه ها.
- ۱۸۱..... کوه ها.
- ۱۸۴..... جغرافیای اقتصادی.
- ۱۸۵..... بررسی موقعیت راهبردی یثرب.
- ۱۸۵..... الف) بُعد مثبت.
- ۱۸۶..... ب) بُعد منفی.
- ۱۸۸..... ب) اثرات منفی.
- ۱۸۹..... موقعیت راهبردی تجاری یثرب.
- ۱۹۰..... شکوفایی اقتصادی یثرب در روزگار جاهلی.

۱۹۱.....	بازارهای یثرب
۱۹۱.....	اول: نگاه مثبت به بازار
۱۹۴.....	دوم: نگاه منفی به بازار
۱۹۶.....	مشخصات بازار ارزشی و نگاه مثبت به آن
۱۹۶.....	مختصات بازارهای ضدارزشی (غیرارزشی)
۱۹۸.....	بازرگانی خارجی و تجارت بین الملل در یثرب
۱۹۹.....	لبید و صنعت در یثرب
۲۰۰.....	کسب و کار
۲۰۰.....	۱. زمین
۲۰۱.....	۲. آب
۲۰۲.....	۳. خوسید
۲۰۴.....	صنایع نساجی در یثرب و کشاورزی
۲۰۵.....	کشتیرانی
۲۰۶.....	جغرافیای انسانی
۲۰۷.....	مقدمه کوتاه
۲۰۸.....	یثرب نشینان عرب
۲۰۹.....	یهودیان مهاجر و انگیزه‌های مهاجرت
۲۰۹.....	انگیزه یکم: فرار از آتش جنگ
۲۱۱.....	انگیزه سوم: سیل
۲۱۴.....	جغرافیای سیاسی
۲۱۶.....	کودتای خزنده
۲۱۷.....	ترس از نابودی ثروت
۲۱۸.....	فساد فرمانروا
۲۲۰.....	مرگ مقصد با قمه غیرت
۲۲۱.....	پناهندگی سیاسی
۲۲۲.....	نیایش پایانی
۲۲۳.....	منابع

مقدمه

سپاس بیکران خدا را سزد که از تجلی بارقه‌های مهرش، انسان گام بر گیتی نهاد. خارق‌العاده در بین همه آفریده‌های حضرت باری خوش درخشید و به آفرینش معجزه داد. تا آن جا که آفریننده‌اش بر این خلقت بر خود بالید و همان دم فرمود: «بارک الله احسن الخالقین» و سپاس و حمد بی حد پروردگاری را که زبان آفرینش بر نیاید و عقول بشری چون به ذات او بیاندیشد در ویل ظلمت فرو افتد و چون به شگفتی‌های آفرینش بنگرد، جام جان از بیکرآور حیرت لبریز گردد.

و باز هم ستایش ویژه‌ی خدایی است که انسان را از صلصال و حماء منون شکل داد و آن‌گاه با دمیدن نفخه‌ای از جنس «نوت» صلصال فخار را از عدم به هستی شرافت بخشید و بر فرشتگان فرمان داد که هرگاه با ملائک مسجودتان «آدم» را سجده کنید و آن که سر از سجده بارزد و خود را برتر دانست و از این موجود برتر بعد خاکی او را دید و از تکریم روی برتابید، در وادی برهوت سرگردان و در ظلمت کفر و ناسپاسی حیران و در دوزخ جبار جاویدان و تا ابدیت از رانندگان گردید.

و حمد و سپاس پروردگاری که آرامش را در عبودیت و جلای دل را در غبار

زدایی از عصبان و گناه قرار داد و درود و تحیت بر زیباترین گل بوستان آفرینش و برترین محصول کارگاه خلقت محمد بن عبدالله (ص) که در وادی ظلمت و نادانی چون خورشید درخشید و بر سپاه جهل یورش برد و ستم بانان را از اریکه قدرت فرو افکند و عدل را بگستراند و عطر دل انگیز بیداری بر ساحت جان ها بیافشاند و بردگان را از یوغ اربابان و طاغیان برهانید و شبان و روزان را از لوث آفات رحمانی اندیشه ها را از شرک و قلب ها را از قساوت تطهیر فرمود. تا انسان این فره افتاده در ویل نفسانیات، بر قلّه های عزّت و کرامت استقرار یابد و بار دگر به عدد فرشتگان و قطرات باران و برگ درختان، آفریدگار را سپاس می گویم که بر سیل مهر خویش بر این کمترین منت نهاد و توفیق نگارش سطری از صحنه سعادت خیز و حیات پرتبارک آخرین آواگر قدسی محمد رسول خدا (ص) را بنایید. فرمود. اما حقیر اقرار دارد که نوشتن درباره پیامبری که اندیشه های بشری در آیه های به ساحت فرزاندگی او فرو مانده اند، پیامبری که اسوه های عقلانیت کربلا و دبستانی اویند و نخبگان انسانی در برابر شخصیت شگرف او، سند عجز نادانان امضاء نموده اند،

پیامبری که پژوهندگان و پژوهش گران حیره معرفتی چون مرغ اندیشه خویش را به آسمان بلند فکر او به پرواز درآوردند و ثمری جز سوختن پر و بال عابدشان نگردد، پیامبری که نگارندگان نامی و نامدار تاریخ در نگارش سطری از حیات او ناتوانند، پیامبری که دانایان و داعیه داران علم و کمال در گستره جهان بر درگاه او زانوی درماندگی بر زمین زده اند و پیامبری که مدرس کتاب آفرینش و آموزگار صحیفه خلقت است، از بضاعت نگارنده خارج است. بنابراین چگونه می توان درباره اش قلم به دست گرفت و صفحاتی را با این قلم ناتوان به نگارش درآورد و چه سان می توان درباره شخصیت سترگ آن انسان برتر نوشت، انسانی که دانایی و آگاهی از تراویدن و تجلّی بارقه های فکری او شکل گرفته است و علم الکتاب زیر نگیان انگشتی اوست و باران

وحی گستره زیبایی روح او را آبیاری کرده است و عطر دل انگیز قدسی با جاننش آمیخته است و تار و پود وجودش از انوار خورشید خوبی تنیده شده است. تبیین شخصیت او که انسان کامل است برای هیچ بشری میسر نیست، آن هم انسانی که سرپرنشین قله شرف است. به راستی چنین انسانی را چگونه می توان با قلمی ناتوان چون این قلم و نیز بضاعت اندک دانش این حقیر به رشته تحریر درآورد؟

آری تحریر زندگی پیامبر (ص) را باید پیامبرشناس بنویسد افا باید دید کدامین اثر در مکتب او حضرتش را شناخته است و کدامین بشر را می یابد که بشر پیامبر (ص) را درک و او را شناخته باشد و نسبت به او معرفت پیدا کرده است؟ و از چشمه جوشان و زلال معرفت و اقیانوس معارف قطره ای نوشیده است و با فرهنگ قرآن او آشنایی دارد و سیره او را خوب شناخته است این همه نشان می دهد که برای شناخت آن برترین انسان در سازمان خلقت را، طولانی در پیش داریم و نیز برای شناخت پرتوی از وجود پرتبارکش به تلاشی مسترده و به عمری دراز نیازمندیم.

پس حقیر چگونه می تواند ادعا کند که در مورد آن شخصیت ملکوتی و اسوه ناسوتی می تواند نوشته ای سزاوار ارائه دهد. بنابراین بهتر آن که با اعلام عجز به پیشگاه با عظمتش و عذر تقصیر به آستان با کرامتش از آن مظهر مجد و رأفت بخواهم که این نوشته را پیشکش موری به سلیقه بنویسد که به حق چنین است.

و نیز از حضرتش می خواهم او که دشنه به دستان دشمنان و مخالفان نابخرد را از سبوی مهر و عطوفت خویش می نوشاند، بر این بنده کمترین با نگاه اغماض از جسارت به دست گرفتن قلم، کریمانه درگذرند و به این شیدای آن رسول مکرم و مهربان (ص)، به این قطره گمشده در اقیانوس موج عاشقانش، با کرامت بنگرند و توفیق نگارش شایسته را برای حقیر از

حضرت باری بخواهند، امید آن است که توفیق رفیق گردد و آن چه حق است از این قلم جاری گردد تا بر دل‌ها نشیند و غبار زندگی مادی که نتیجه‌ای جز روزمرگی ندارد از ساحت جان خوانندگان عزیزشان پراکنده گردد و معنویت‌گرایی که فقدان آن در عصر ما دردناک و دردمند است هر چه پیش‌تر خود را بنمایاند که اگر چنین گردد نویسنده به همه هدف خود نائل گشته است.

در فرجه این مقدمه لازم می‌دانم به نکاتی چند اشاره نمایم:

۱- نویسنده برگزادعا ندارد که این نوشته از غنای فرهنگی بالایی برخوردار است، اما می‌تواند عا کند که منابع و مأخذهایی که مورد استفاده قرار گرفته است از اعتبار و غنای درخوری برخوردار می‌باشند.

۲- در نگارش این نوشته‌ها، به نام سیره و سیمای آخرین آواگر قدسی «محمد رسول خدا (ص)» تقییم خوانندگان عزیز می‌گردد، سعی شده است با قلمی سلیس و روان نگاشته شود و از به کارگیری عبارت‌های ثقیل و سنگین خودداری گردیده است.

۳- به هنگام نوشتار این مجموعه، پرهیز از تعصب‌های خشک و تفرقه‌افکنانه که مصیبت امروز جهان اسلام است، از تمامی دیدگاه‌ها و نظرات مختلف استفاده شده است.

۴- برخی از این نوشته‌ها را قبل از سال ۱۳۸۷ نوشته‌ام که بنا بر آن توفیق ادامه نگارش میسر نشد و اینک که میسر گشته است، آفریدگار را بی‌حدا سپاس می‌گویم.

۵- در نگارش این مجموعه تلاش شده است از تحولات و رخ‌دادهای دوران حیات مبارکشان، آنانی که بیش‌تر روزآمد و مشکل بشریت را حل می‌نماید استفاده و از مطالب تکراری و غیر قابل ضرور خودداری شده است.

۶- سعی نویسنده این بوده است که از همه منابعی که در اختیار داشته

است استفاده نماید. به عنوان مثال در بخش استفاده از تفاسیر قرآن عزیز و شریف، هم از تفسیر المیزان که تفسیری فنی و حوزوی است استفاده شده است و هم از تفسیر نمونه که در روان نویسی و فهم عامه و سلیس نگاری به حق نمونه است بهره گرفته‌ام و در قسمت تاریخ کوشش شده است هم از نویسندگان غیر مسلمان غربی مانند ویل دورانت نویسنده تاریخ مدن، جان بایرناس نگارنده کتاب جامع الادیان، جرجی زیدان نویسنده تاریخ تمدن اسلام و گوستاو لیون فرانسوی صاحب کتاب تمدن اسلام و عرب و تاریخ عرب، نوشته فیلیپ خوری حتی تاریخ مسلمان عرب نوشته آلبرت حورانی و تاریخ اسلام؛ پژوهش دانشگاه کمبریج، محمد رسول خدا (ص) نوشته آنا ماری شیمل ترجمه زنده یاد دکتر حسن لاهوتی - از نگارندگان تاریخ اسلام، استفاده گردد و هم از نویسندگان کهن و با قدرت در عرصه سیره نویسی و تاریخ ائمه از سنی مذهب یا شیعه و پیرو علی بن ابی طالب (ع) هم چون الصحيحین، ساره النبی الاعظم به قلم علامه سید جعفر مرتضی عاملی ترجمه دکتر محمد بهری - تاریخ یعقوبی - تاریخ پیامبر (ص) به قلم دکتر آیتی - تاریخ طبری - کامل ابن اثیر - روضه الصفا - مقدمه ابن خلدون - نهاییه الارب - تاریخ ابن کثیر - فروع ابدیت نوشته آیت الله سبحانی - اسلام و عقاید و آراء بشری یا جاهلیت و اسلام نوشته مرحوم آیت الله یحیی نوری و چند کتاب دیگر بهره برم، نه در این باب برای همه آن نویسندگان اگر در قید حیاتند آرزوی موفقیت در گام گذاری بوسه بان بندگان و خدمت به امت اسلام و اگر سر بر تراب تیره نهاده‌اند، طلب آمرزش و علو درجات مسئلت می‌نمایم.

۷- از همه خوانندگان که به نعمت سعه صدر مسلح‌اند می‌خواهم کاستی‌ها و نقائص این سلسله نوشتار را بر اساس سخن گران سنگ غواص اقیانوس معارف، امام صادق (ع) که فرمودند «أَحَبُّ اخوانی اِلَیَّ مَنْ أَهْدَا اِلَیَّ عُیُوبِی»

به حقیر هدیه فرمایند و یقین بدانند هم سیاس نویسنده را دریافت خواهند فرمود و هم ارشاداتشان با گوش جان فرا گرفته و به منصفه ظهور خواهد آمد. در پایان بر خود فرض می‌دانم از فرزند ارشدم دکتر احسان که با همه مشغله‌های فکری و فرهنگی، ویرایش و بازخوانی نوشته‌هایم را عهده دار دارند و از همسر صبورم و سایر اعضای خانواده که با فراهم نمودن محیط آرام، امکان نوشتن را بوجود آوردند صمیمانه سپاسگزارم و عنایت‌های حضرت باری و الطاف، رحمه للعالمین پیامبر عزیزمان (ص) را برایشان مسئلت دارم.

تهران - آذرماه ۱۳۹۷

حسین تقی زاده سالاری